

"مقایسه برخی از نمادهای مهری در شاهنامه فردوسی و اشعار خاقانی" *

مجتبی محمدنیا

دانشجوی کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

مقدمه

بی شک از میان شعرای فارسی زبان علاقه مند به فرهنگ و تاریخ ایران باستان، فردوسی و خاقانی جایگاه والاتی دارند.

فرهنگ غنی ایران باستان دارای مفاهیم و مضامین فراوانی است که هر شاعر صاحب ذوقی را به خود علاقه مند می کند و این مفاهیم دست مایه آنان جهت ساختن تعبیر ادبی قرار می گیرد.

از جمله موارد مربوط به فرهنگ باستانی ایران، آئین مهری است که گذر تاریخ و تعصبات دینی و فرقه ای موجب شده تا اطلاع کمی از آن داشته باشیم. با وجود این، دین کهن مهری به حدی ریشه دار بود که برخی تعالیم آن در کتب دینی زردشتیان و برخی دیگر تحت نام دین مسیحیت به حیات خود ادامه داد.

با این تفاسیر، عملاً دو جنبه متفاوت از آئین مهری داریم: جنبه ای شرقی با رونمای زردشتی و جنبه غربی با رونمای مسیحیت. بعبارتی مهر ایرانی که بر مبنای اساطیر است و مهر اروپائی که مبنای تاریخی دارد که به آن اشاره خواهد شد.

در سالهای اخیر، در حوزه تاریخ و باستانشناسی، تلاش برای نمایاندن این تمایز بیشتر شده است و افرادی هم در داخل و هم در خارج کشور به این تفاوت توجه کرده اند.

به عنوان یکی از اهداف مهم این مقاله، سعی می کنیم تا با ابزار ادبی، به تمایز میان مهر ایرانی و مهر اروپائی در عالم ادبیات فارسی اشاره کنیم و برای این کار نخست تعریفی از مهر اسطوره ای و مهر

تاریخی ارائه می کنیم، سپس برخی نمادهای مهری شاهنامه و اشعار خاقانی بررسی و نکات افتراق آن نمادها بیان می شود.

- مهر اسطوره ای (خدای مهر مهرپرستان و ایزد مهر زرد شتیان)

مهر یا میترا یکی از بزرگترین خدایان اقوام هند و اروپائی است. تعالیم این آیین کهن، قرن‌ها در زندگی مردم جاری بود؛ حتی بعد از ظهور زردشت.

در آغاز مهر در میان قبایل هند و ایرانی مظهر اتحاد، یگانگی و دوستی افراد قبیله بوده، ا و [مهر] عمدتاً پیوند دهنده افراد است و شاهد بینائی که پشتیبان ایمان و اعتقاد راسخ میان انسانهاست، در ایران باستان نیز بی آنکه خدای خورشید باشد، با روشنائی و جهان طبیعت ارتباطی بس نزدیک دارد. (اولانسی، ۱۳۸۰: ۱۸)

مهر در اوستا به شکل روشنائی پیش از طلوع خورشید یعنی بصورت میانجی تاریکی و روشنی توصیف شده است.

بدلیل گذر باشکوه مهر در آسمان است که معتقدند با خورشید پیوند نزدیکی دارد و این نزدیکی به حدی است که امروزه نیز نام دیگر خورشید، مهر است.

باید توجه داشت تعالیم مهر به جوامع ابتدائی مختص بوده است: «آریاییان در دوره زندگی نیمه چادرنشینی و نیمه آبادی نشینی، قوای طبیعت را پرستش میکردند. آنان جلوه های سودمند طبیعی را به عنوان خدایان و موجودات مقدس مورد پرستش و ستایش قرار می دادند و در مقابل، قوای زیان بخش طبیعت را بعنوان اهریمن و ارواح مضر در نظر گرفته و لعنت می کردند...» (تلخیص از: معین، ۱۳۵۵: ۳۷-۳۹)

اما با ظهور زردشت، تغییراتی در آموزه های مهر پرستان ایجاد شد. نخست خود مهر که در ابتدا: «یک خدا خورشید محسوب می شد، در دین زردشتی به ایزد مهر تبدیل شد و مهر یشت بدان اختصاص

یافت (۱)» (مدرسی، ۱۳۸۵: ۲۱۰-۱۸۵)

در واقع زردشتیان مهر را جزو آفریده های اهورامزدا تلقی کردند و مهر همپای آناهیتا تحت سلطه اهورامزدا، مثلث قدرتی ساختند که مردم به آنها پناه می بردند. اردشیر دوم هخامنشی دریکی از کتیبه هایش از این سه یاد می کند: «... اهورامزدا، آناهیتا و میترا مرا و آنچه را که بوسیله من کرده شده از بلاها بپایند.» (پور عبدا...، ۱۳۸۴: ۱۵۹) واقع امر اینکه هر چند در دین زردشتی، مهر ارزشمند است و حتی مهریشت به آن اختصاص دارد

ولی نباید فراموش کرد که زردشت جهت برقراری نظام یکتاپرستی مجبور شد با مهرپرستان که معتقد به خدایان متعدد بودند، مبارزه کند. نخست منع نمودن خوردن شیره گیاه هوم و خون گاو قربانی بود که با براندازی این آئین ضربه مهلکی بر پیکره مهرپرستی وارد آمد. با این حال سرانجام مهر با از دست دادن برخی از ویژگیهای خود به بدنه اصلی دین زردشت پیوند خورده است. «(میرمیران، ۱۳۸۵: ۱۴۸)

توصیفات دلنشین و متنوع از مهر با عباراتی از قبیل: مهر پیروز، پادشاه شکوهمند مردمان روی زمین، کسی که هیچ کس به او دروغ نتواند گفت، آگاه از کلام راستین، حامی و پاسبان آفریدگان، بهترین داور، نبرده و صفاتی از این دست که در مهریشت ذکر شده، چهره مطلوبی از مهر اسطوره ای برایشان ترسیم میکنند. همچنین این صفات پارحماسی دارند و مناسب کارسرودن شاهنامه بوده اند؛ از این رو حکیم توس با علم به این معارف، در پرداختن تعابیر حماسی، از برخی نمادهای مهری سود برده است.

با نگاهی به ابیاتی از شاهنامه، نحوه بکارگیری این نمادها توسط فردوسی نمایانده می شود:

گمانی برم من که او رستم است که چون او نبرده به گیتی کم است (ص ۱۹۵)

نباید ز گیتی ترا یار کس بی آزاری و راستی یار بس (ص ۳۹)

نخواهم به گیتی جز از راستی که خشم خدا آورد کاستی (ص ۱۲۸)

- مهر تاریخی

آنچه تاکنون گفته شد مربوط است به ایرد باستانی مهر که صفات حماسی او ذکر شد و تقریباً جنبه اساطیری و حماسی او غالب و بخشی از صفاتش در مهریشت اوستا مذکور است.

اما پژوهشهای چند دهه اخیر ذبیح بهروز و محمد مقدم در داخل ایران و فرانتس کومون، دیوید اولانسی و دیگران در خارج، نشان می دهد که آئین مهری اخیر که در اروپا و برخی جا های ایران نشانه هائی از آن بازمانده، حاصل تعلیمات شخصی است که سه قرن قبل از مسیح می زیسته است.

در مقاله «یادداشتی درباره مهر وزمان او» نوشته محمد مقدم ذکر شده: «مهر که دین او و سراسرجهان باستان را در دوره شاهنشاهی اشکانیان فرا گرفت و تحول ژرفی در دین و فرهنگ و هنر پدید آورد و آغاز دوره نوبنی در تاریخ بشر بوده، شخصی است که در خراسان در سال ۵۱ اشکانی برابر با ۲۷۱ پیش از میلاد شب یکشنبه ۲۵ دسامبر زاده شده و در ۲۴ سالگی مبعوث و چهل سال به دعوت مردم پرداخت و روز دوشنبه چهارم شهریور برابر با ۲۰۸ پیش از میلاد جهان را بدرود گفت» (مقدم، ۱۳۳۸: ۷۷-۶۶)

این گفته ها مبدا مهر تاریخی را به سه قرن پیش از میلاد می رساند؛ حال آنکه کهنترین مستندی که از مهر اسطوره ای داریم مربوط به صلح نامه هیتی ها و میتانی هاست (۲) متعلق به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد و در آن از میترا جهت حفاظت بر پیمان صلح یاری خواسته شده؛ این همان میترائی است که در مهریشت توصیف شده ولی مهری که متعلق به سده سوم پیش از میلاد است و اساس مهرپرستی در اروپا را تشکیل می دهد، همانی است که در بدو تولد بعنوان یک کازموکراتور (۳) [فرمانروای کل گیتی] به پیروان مهر معرفی شده بود. دوگانگی و تفاوت میان این دو آئین از اوستا نیز پیداست. هارتن ورمازون در کتاب آئین میترا در مقایسه روایات مربوط به میترا مابین ودا و اوستا ذکر کرده که: «باید چند مرحله متوالی در این دو کتاب تشخیص داد. این دو کتاب درعین حال که بخشهای بسیار قدیم دارند، فصلهایی از آنها بسیار جدیدترند و این بدان علت است که نام میترا همیشه اهمیت سابق را ندارد و عقایدی که درباره اش

ابراز می شود، به کرات تغییر می یابند.» (ورماژرن، ۱۳۸۰: ۱۶) بدلیل تقدیم و تاخیر در نوشتن متون اوستائی، نام میترا و عقاید مربوط به آن با تغییراتی همراه است، به این خاطر که برخی نوشته های اوستا در زمان جدیدتر (زمانی که آئین مهر افول کرده بود) نوشته شده و نام مهر دیگر اهمیت سابق را نداشته است.

به هر حال میترایسم اروپائی تا قرن چهارم میلادی ادامه داشت و پس از آن جای خود را به دین مسیحی داد. تا این زمان مهرپرستی در سرزمینهای بسیاری رایج و عقاید مربوط به پرستش مهر با رمز و رازهای فراوانی آمیخته شده بود؛ تا اینکه مسیحیان تمام تلاش خود را جهت محو نمودن آئین مهر بکار بستند. با این حال اثراتی از آئین مهر را در دین مسیحیت می بینیم.

نخست اینکه ساختمان کلیساها بر روی خرابه های معابد مهریان [مهرابه ها] بنا شد. از دیگر موارد اقتباس مسیحیان از تعالیم مهرپرستان می توان به مراسم تطهیر و غسل تعمید، مراسم عشای ربانی شام واپسین، سرود دسته جمعی و موضوعات دیگر اشاره نمود. این نکته هم گفتنی است که در نوشته های اسلامی و عیسوی همه جا نام عیسی جایگزین نام مهر و مریم جایگزین ناهید [مادر مهر] شده است. (مقدم، ۱۳۸۵: ۳۱) پس از این مقدمات به مقایسه چند نماد مهم در شاهنامه فردوسی و اشعار خاقانی می پردازیم. جهت بررسی نمادهای شاهنامه، نخست از فره مند بودن خورشید شروع می کنیم. در شاهنامه بارها و بارها از عظمت خورشید بعنوان یکی از شگفتیهای خلقت یاد شده است. از نظر فردوسی، خورشید ارتباط نزدیکی با فره مهر دارد و تابش خورشید همچون جلوه فره مهر است. (۵)

عجیب نیست اگر با طلوع فرخورشید جهان افروز، زلف شب لاژوردی درهم پیچیده شود:

چو پیدا شد آن فرخورشید زرد بیچید زلف شب لاژورد

(فردوسی، ۱۳۸۳: ۱۲۷۳)

یا بیتی دیگر که در آن تابش فرجمشید با تابش خورشید برابر دانسته شده است:

جهانجوی با فرجمشید بود بکردار تابنده خورشید بود

(فردوسی، ۱۳۸۳: ۲۰)

بخشی از فره جمشید که فره جنگاوری بود، به مهر تعلق گرفت. از این جهت، مهر حامی سرزمینهای آریائی لقب گرفته و در میان مردم باستان ارزشمند بوده است. به این طریق بهره مندی از فره شخص را همچون خورشید تابناک، جلوه گر می ساخت. (۶)

حال به خاقانی نظر می‌کنیم. وی به دلیل مذهب عیسوی مادرش و نزدیکی به ارمنستان که مدت‌ها محل رواج آئین سری مهر پرستی بوده، و شیفتگی به معلومات تاریخی، در نماد سازی از آئین مهر، به مراسم مذهبی مهر پرستان اروپائی نظر داشته است. از آن جمله غسل خورشید

می‌باشد. انجام غسل جهت آغاز ورود به جرگه مهرپرستان الزامی بود. قبل از انجام مراسم دینی و خواندن ادعیه، ضروری بود تا دو مرحله شستشو انجام شود. نخست سه شب و سه روز به اضافه سی ضربه تازیانه، سپس دو شب و دو روز شستشو به همراه بیست ضربه تازیانه. از این عقیده کهن معلوم می‌شود که انجام غسل جهت مراسم مذهبی نیازی مبرم بوده است. آیین مراسم، غسل تعمید مسیحیان را به یاد می‌آورد که به نشانه پاک شدن از گناه نخستین می‌باشد.

دریای تویه کو مگر شامگاه عمر چو آفتاب غسل به دریا برآورم

(دیوان خاقانی، کزازی: ۳۷۹)

« در بخشی از آیه ۸۶ سوره کهف به این عقیده اشاره شده است: حتی اذا بلغ مغرب الشمس وجدها تقرب فی عین حمته. تا به غروبگاه خورشید رسید، دید که در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می‌کند. » (مدرسی، ۱۳۸۵: ۲۱۰-۱۸۵)

از دیگر موارد تفاوت نمادهای مهری فردوسی و خاقانی، می‌توان بهره‌گیری فردوسی از مهریشت

را ملاک قرار داد. در مهریشت ذکر شده: مهر پیش از برآمدن آفتاب سر برمی آورد. و گردونه ای باشکوه دارد و با آن در همه جا در حال حرکت است. حتی پس از غروب خورشید به زمین می آید و از کرانه ای به کرانه دیگر برای نظارت بر پیمانها در حال حرکت است. یاد آور این بیت که:

ز خاور برآید سوی باختر نباشد ازین یک روش راست تر

(فردوسی، ۱۳۸۳: ۳)

یک صفت بارز مهر در مهریشت، مبارزه او با دروغ است. مهر همچون فروغی خدایی است که هر جا باشد سیاهی دروغ را نابود می کند. در باور مهریان، مهر میانجی فروغ ازلی و فروغ محدث است. با توجه به این نظر، فردوسی به تقابل میان فروغ و دروغ، بارها در شاهنامه اشاره نموده: (۷)

هر آنجا که روشن بود راستی فروغ دروغ آورد کاستی

(فردوسی، ۱۳۸۳: ۲۵۷)

در مقابل استفاده فردوسی از مهریشت، سخاقانی از کتاب مقدس مسیحیان و تعالیم آنان جهت نمادسازی بهره های زیادی برده و همان طور که گفتیم برخی آموزه های مسیحیان برگرفته از آئین مهری است.

یکی از این نماد های کهن مهرپرستان، چلیپاست. نمادی مقدس و همواره مطرح در تاریخ.

بالا برآر نفس چلیپا پرست از آنکا عیسی تست نفس و صلیبست شکل لا

(معدن کن، ۱۳۸۱: ۶۳)

چلیپا یا خاج نمادی کهن است که در سیر تاریخی اش در ازمنه مختلف، معانی مختلفی داشته است. و در آئین مهر، چلیپا همچون نشانی از چهار گوشه جهان نموده شده که نماد هو آشتی یا آشتی بزرگ (صلح اکبر) برادری و یگانگی میان همه جهانیان است. (مقدم، ۱۳۸۵: ۴۲)

اما امروزه نقش چلیپا ویژه مسیحیان تلقی می شود و آن را نماد چلیپائی میدانند که عیسی را بر رویش

به دار آویختند.

یکی دیگر از مواردی که تاکید می کند فردوسی از تعالیم مهر اساطیری جهت نمادسازی بهره بهره برده است، روایات مربوط به خاندان زال می باشد. رستم، پهلوان مقتدر شاهنامه با خصوصیات والای حماسی، مهر پرست معرفی شده ؛ که ممکن است دلیل این موضوع ارتباط سکاییان شرق ایران و سیستانیان با مهر پرستی باشد.

در نبرد رستم با اسفندیار، اسفندیار بمنظور تحقیر رستم، زال را جادو پرست می خواند ؛ می توان این کار را نوعی عکس العمل زردشتیان در برابر پیروان آئین مهری دانست . همان طور که پیشتر اشاره کردم، مخالفت زردشتیان در طول تاریخ با مهر پرستان، موجب افول مهر پرستی شده است: (۸)

شنیدم که دستان جادو پرست به هنگام یازد به خورشید دست

(فردوسی، ۱۳۸۳: ۷۴۸)

در این بیت دیده می شود که خورشید معادل مهر بکاررفته است. استمداد از مهر به این خاطر است که مهر بعنوان فرشته روشنی و جنگاوری و قهرمانی دارای نیرو و قدرت فراوان توصیف شده؛ دکتر صفا می فرماید: «مهر حامی کشورهای آریائی و سامان دهنده آنها و نخستین ایزدی است که پیش از خورشید جاودان تیز اسب از فراز کوههای خاور سر بر می آورد و بر تمام منزلگاههای آریائی می نگرد. این ایزد شجاع گردونه ای دارد ... و همه آلات رزم در آن موجود می باشد.»

(صفا، ۱۳۷۴: ۱۳۱)

اینک به یکی دیگر از نمادهای مهر پرستی اروپائی در اشعار خاقانی اشاره می کنیم و آن مراسم تاورکتونی (۹) (بمعنی قربانی کردن گاو نر) می باشد.

تصویر نمادین این مراسم تقریباً در همه مهرابه های کشف شده در اروپا (از جمله سان کلمته و سانتا پریسکا) دیده می شود. در این تصویر کهن، مهر در حال قربانی کردن گاو نر نمایانده شده است.

نظر دربارہ این نماد برجسته زیاد است. نظر مقبول تر آنست که دکتر بهار در کتاب اساطیر ایران

ذکر کرده و آن اینکه : « در اسطوره ای نقل است که این قربانی کننده ایزدی در جنگ و گریزی سهمگین سرانجام بر گاو فائق آمد و با خنجر گلوگاهش را برید . آنگاه گیاهان از تیره پشت گاو روئید و تاک ازخونش، ازاین منظرکشتن گاو بیان وقوع مساله آفرینش است . »

(مهرداد بهار، ۱۳۷۵: ۵۷۹)



خاقانی از این عقیده مهر پرستان اثر پذیرفته و آنرا در بیتی بصورت نمادین گنجانیده ، هرچند مستقیماً به مساله آفرینش اشاره ای نکرده است :

خون قربان رفته در زیر زمین تا پشت گاو
گاو بالای زمین از بهر قربان آمده

(دیوان خاقانی، کزازی: ۵۶۰)

شیر یکی دیگر از نمادهای مهرپرستان اروپائی محسوب می شود. مهر پرستان به هفت مرحله آزمون جهت تشرف به آئینشان معتقد بودند که نام مرحله چهارم، شیر بود.

۱۰

« شیر نماد حیوانی میترا در آئین مهری، نماد قدرت، معنویت و صلابت است. به این خاطر در سروده های خاقانی، شیر در کنار خورشید درخشان حضوری برجسته دارد:

« آن آهوی زرین بین در شیر وطنگا هش
کو را سروی سیمین هر بار پدید آید

دیوان خاقانی، کزازی: ۶۹۲

(به نقل از: مدرسی، ۱۳۸۵: ۲۱۰-۱۸۵)

خلاصه و نتیجه گیری

در جمع بندی آنچه گفته شد می آوریم که: فردوسی به دلیل لحن حماسی شاهنامه نیاز به تعابیر حماسی داشت و در ساختن نمادها، به مهری که با صفات نور و روشنی، جنگجویی و دلوری حافظ سرزمینهای آریائی، آگاه از کلام راستین و بهره مند از فره ذکر شده، نظر داشته است که ما از آن به عنوان مهر اسطوره ای تعبیر کردیم.

از سوی دیگر، خاقانی بعلمت نزدیکی به خاک ارمنستان و مذهب عیسوی مادرش و علاقه به امور اسرار آمیز، میل به آئین میتراپرستی اروپائی داشته و چون علم به این معارف برای هرکسی مقدور نبوده، خاقانی از پرداختن به چنین نمادهائی احساس لذت میکرده است.

نیز ارادت خاقانی به مسیحیان و ارتباط نزدیک مسیحیت و آئین مهر (۱۰)، باعث شده که خاقانی را در

زمینه نماد پردازی از میتراپرستی اروپائی، یگانه تصور کنیم.

* موضوع این مقاله با الهام پذیری از مقاله ی ارزشمند خاتم دکتر فاطمه مدرسی با عنوان

«بازتاب چند باور مهری در سروده های خاقانی» که در نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان در زمستان ۱۳۸۵ چاپ شده بود، پدید آمده است؛ بدین وسیله کمال قدردانی از ایشان را ابراز می کنم.

۱- ورود مهر به دین زردشتی برای زردشتیان چنان خوشایند نبود و گویی در پذیرش مهر اکراه داشتند. به این خاطر است که مرتبه مهر که تا قبل از زردشت یک خدا بود، حتی از امشاسپندان زردشتی هم کم ارزش تر شد و به به مرتبه آیدی تنزل یافت.

۲- این لوح های گلی محتوی بر پیمانی است که میان هیتی ها و همسایه شان میثانی ها بسته شده و از مهر و خدای آسمان برای پایداری این پیمان استعانت شده است. (دورمازون، ۱۶: ۱۳۸۰)

۳- تقریباً هم‌ریشه با: [خورشید، مصادف با طلوع و غروب خورشید = Cosmical]

و [پیدایش و تکامل هستی = Cosmogony]

۴- Mithraeum

۵- بحث فره و مشتقات آن و ارتباطش با موضوعات شاهنامه، نیازمند بحث مفصلی است. کتاب «پروسی فر در شاهنامه

فردوسی» نوشته «بهروز ثروتیان» منبع خوبی جهت تبیین این موضوع به شمار می رود.

۶- از اینها گذشته، مهر و جمشید شباهتهای دیگری هم دارند از قبیل این روایت مهریشت که

«مهر کاخی بر فراز کوه هرا Hara یا البرز دارد جایی که در آن نه شب هست و نه تاریکی،

پی نوشت

نه سرما هست و نه گرما نه بیماری هست و نه مرگ. مهریشت بند ۵. جمشید نیز وری می سازد و

در پادشاهی او نیز تاریکی، سرما، گرما، بیماری و مرگ نیست. و نندیداد بخش دوم (بهار، ۱۳۵۲: ۱۲۳)

۷- تقابل میان فروغ و دروغ در شاهنامه به این گونه است که: این دو کلمه ۳۵ مورد با یکدیگر هم قافیه شده اند؛ و در کل

ابیات، فروغ ۳۷ بار و دروغ ۳۶ بار تکرار شده است.

«وگر هیچ گردی به گرد دروغ نگیرد بر من دروغت فروغ» (فردوسی، ۱۳۸۳: ۶۸۹)

۸- «دین کهن ساخت میترايي از سرزميني برخاست که در کنار و نزدیک دیانت زردشتي بود و همین معان زردشتي با دستبرد

در آيين میترايي، آن را به گونه ای، دویاره سازی کرده بودند» (رضی، ۱۳۷۱: ۱۶۵-۱۶۴)

Tauroctony -۹

۱۰- چنانکه فرانتس کومون (م ۱۹۲۷) گفته: «دانشمندی که می خواهد درباره دین مهر تحقیق کند، درست وضع کسی را دارد

که می خواهد در مسیحیت پژوهش کند و تنها مدرکش کتاب «عهد عتیق» و کلیساهای قرون وسطی است.» (ورمازون، ۱۳۸۰:

منابع

- ۱- اولانسی، دیوید، پژوهشی نو در میترا پرستی، ترجمه و تحقیق مریم امینی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۰
- ۲- بهار، مهر داد، اساطیر ایران، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲
- ۳- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات آگه، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ۴- پور عبدالله، حبیب ا.، تخت جمشید از نگاهی دیگر، تهران، انتشارات کلهر، چاپ ششم، ۱۳۸۴
- ۵- رضی، هاشم، آیین مهر - میترا میسم، تهران، انتشارات بهجت، چاپ اول، ۱۳۷۱
- ۶- صفای ذبیح، ا.، حماسه سرائی در ایران، تهران، انتشارات مروش، ۱۳۴۴
- ۷- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، بگوشش سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره، چاپ سوم، ۱۳۸۳
- ۸- کزازی، میر جلال الدین، دیوان خاقانی، تهران، انتشارات مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ۹- مدرسی، فاطمه، بازتاب چند باور مهری در سروده های خاقانی، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۲۱۰ - ۱۸۵
- ۱۰- معدن کن، معصومه، بزم دیرینه هروس، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۸۱
- ۱۱- معین، محمد، مزدینستا و ادب پارسی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۵
- ۱۲- مقدم، محمد، یادداشتی درباره مهر و زمان ۱ و ۲، مجله ادبیات دانشگاه تهران، سال هفتم، شماره اول، مهر ماه ۱۳۳۸
- ۱۳- مقدم، محمد، جستار درباره مهر و ناهید، تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۸۵
- ۱۴- میرمیران، سید مجیدی، فرهنگ و ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، انتشارات نشر سرآغاز، چاپ اول، ۱۳۸۵
- ۱۵- ورمازرن، مارتین، آیین میترا، ترجمه بزرگ ناصر زاده، تهران، نشر چشمه، چاپ سوم، ۱۳۸۰

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.